



# اسلام در ایران

( از هجرت تا پایان قرن نهم هجری )

ایلیا پاولویچ پتروشفسکی

ترجمه کریم کشاورز

# اسلام در ایران

( از هجرت تا پایان قرن نهم هجری )

تالیف

ایلیا پاولویچ پطروشفسکی

ترجمه

کریم کشاورز



پیام

تهران، ۱۳۵۴



پیام

---

انتشارات پیام، تهران، خیابان شاهرضا، مقابل دانشگاه

پطروشفسکی، ای. پ

اسلام در ایران

ترجمه کریم کشاورز

چاپ اول: اسفند ماه ۱۳۵۵

چاپ دوم: بهمن ماه ۱۳۵۱

چاپ سوم: خردادماه ۱۳۵۳

چاپ چهارم: اردیبهشت ماه ۱۳۵۴

چاپ: چاپخانه افست مروی

شماره ثبت کتابخانه ملی ۱۰۰ - ۵۴/۲/۹

حق چاپ محفوظ است.

## فهرست مطالب

1	مقدمه مترجم
5	یادآوری
11	سرسخن
13	مقدمه : ظهور اسلام.
39	فصل اول : اسلام دایران.
73	فصل دوم : تعالیم و تشریفات دینی اسلامی.
109	فصل سوم : قرآن.
131	فصل چهارم : منابع حقوق اسلامی.
141	فصل پنجم : تلویح فقه اسلامی (سنی).
157	فصل ششم : حقوق دولتی (عمومی) اسلامی.
175	فصل هفتم : حقوق جزائی و مدنی اسلامی.
213	فصل هشتم : دعوای مذهبی در اسلام (مرجیان، قلدیان، معتزلیان).
229	فصل نهم : کلام یا اسکولاستیک اسلامی
257	فصل دهم : شیعیان میاندرو.
293	فصل یازدهم : اسماعیلیان، قرمطیان و غلات شیعه.
329	فصل دوازدهم : عرفان در اسلام (تصوف و درویشی).
371	فصل سیزدهم : پیروزی شیعه در ایران.
399	توضیحات
503	فهرست مآخذ و منابع
519	فهرست مآخذ و منابع توضیحات
533	فهرست راهنما
557	فهرست راهنمای توضیحات



www.golshan.com

تاکنون از استاد پطروشفسکی دو کتاب - یکی «نهضت سرداران خراسان» (در «فرهنگ ایران زمین») و دیگری «کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول»، توسط سازمان مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، به زبان فارسی برگردانده و منتشر شده است. بخشی از ترجمه کتاب «تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم» نیز (که آن هم توسط سازمان مطالعات... چاپ و منتشر شده است) به قلم اوست.

هنگامی که اولیای سازمان مطالعات اجتماعی مختصری از شرح زندگانی مؤلف را ازمین (مترجم هر دو کتاب) خواستند تا در آغاز آن تألیف چاپ کنند، به دردی که می‌زدم و بهر مرجع و مأخذی که روی می‌نمودم نتیجه‌ای نمی‌گرفتم. ناچار به ذکر اسامی تألیفات وی که در دست بود بسنده کردم.

پس از آن، ترجمه حیات او را در دائرة المعارف تاریخی روسی یافتیم و مجله‌ای زیر عنوان: «تاریخ و فرهنگ کشورهای خاورزمین» (شماره ۲، سال ۱۹۵۹) که یادنامه‌ای است به مناسبت شصتمین سال تولد استاد یاد شده در یکی از کتابفروشیهای تهران به دستم آمد.

کتاب «اسلام در ایران» که ترجمه آن به خوانندگان پارسی‌زبان تقدیم می‌شود، سومین اثر مستقلی است که از مؤلف به فارسی انتشار می‌یابد. موضوع کتاب نه تنها در شرقشناسی روسی بلکه جهانی نیز تازگی دارد. وبالطبع استاد نیز مانند هر کسی که طریق نو برگزیند و از رفتن در راههای کوییده دیگران پرهیز کند بدون لغزش نبوده است، به ویژه که محتوای کتاب مربوط به معتقدات است.

دانشمندگرایی، آقای محمدرضا حکیمی، رنج مرود این کتاب را به عهده گرفته و نظر خویش را که مبتنی بر منابع اسلامی، از جمله تازه‌ترین کتب و منابع تحقیقی شیعه است، در پایان

کتاب، زیر عنوان «توضیحات» آورده‌اند، مراتب سپاسگزاری را تقدیم ایشان می‌دارم. از متن کتاب در حدود سه صفحه حذف گشته و به جای بخشهای محذوف سه نقطه گذاشته شده است. در مواردی که بخش محذوف از نیم صفحه بیشتر بوده نقطه‌ها در میان دو ابرو قید گردیده است. همواره مترصد بودم که ترجمه حال مؤلف را به خوانندگان عرضه دارم و خود را از این رهگذر مدیون می‌شمرم. اکنون از این فرصتی که برای ادای دین دست داده است خرسندم.

ایلیا پاولویچ پتروشفسکی در ۲۲ ژوئیه سال ۱۸۹۸ میلادی در شهر «کی‌یف» دیده به جهان گشود و اکنون ۷۱ سال دارد. در سال ۱۹۲۶ پس از گذراندن دوره دانشگاه به کارهای علمی و تحقیقی پرداخت. و زان پس مدتی در انستیتوی قفقازشناسی فرهنگستان علوم شوروی در تفلیس (از ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۶) و شعبه انستیتوی تاریخ فرهنگستان مزبور در لنینگراد (۱۹۳۶-۱۹۵۶) و شعبه انستیتوی تاریخ فرهنگستان علوم (از ۱۹۵۰) کماکان سرگرم کارهای تحقیقی بوده است. وی ضمناً از سال ۱۹۳۱ در دانشگاه تفلیس به تدریس تاریخ پرداخت و در سالهای جنگ دوم جهانی تاریخ کشورهای خاور نزدیک را در دانشکده تاشکند تدریس می‌کرد. پتروشفسکی از سال ۱۹۴۷ استادی کرسی تاریخ ممالک شرق نزدیک را در دانشکده شرقشناسی دانشگاه لنینگراد به عهده دارد. وی تمام مراتب علمی را پیموده در ۸ اکتبر ۱۹۴۸ - پس از قریب بیست سال تحقیق و تدریس - به مقام استادی نایل آمده است.

پتروشفسکی در سال ۱۹۵۷ در نخستین کنفرانس شرقشناسی شوروی در تاشکند سمت نمایندگی داشته است و در کشور خویش کارشناس مقبولاً لعماده تاریخ ممالک خاور نزدیک شمرده می‌شود. پتروشفسکی بیشتر به بررسی ویژگیهای جامعه‌های فئودالی ایران و کشورهای مجاور در دوران متأخر قرون وسطی توجه دارد، و مسایلی مانند زمینداری در عهد فئودالیزم و پیدایش و تکامل مؤسسات فئودالی، تنقید روستاییان به زمین و منع ایشان از تغییر مکان، سازمان داخلی شهرها در دوران فئودالیت، تاریخ و ویژگیهای نهضتهای مردم در ایران و کشورهای همسایه، مورد توجه و تحقیق وی قرار گرفته است.

در این اواخر پتروشفسکی به بررسی اوضاع اقتصادی ایران و برخی از همسایگان ما در قرون وسطی به ویژه وضع کشاورزی و فن فلاح در ایران، پس از دوران مغولان پرداخته است. وی به متن‌شناسی نیز توجه خاصی معطوف داشته، منابع و مأخذ جدیدی را وارد دایره تحقیقات ایرانشناسی کرده است.

چنانکه گفتیم پتروشفسکی در دانشگاه لنینگراد به تدریس تاریخ قرون وسطای ممالک خاورمیانه و نزدیک مشغول است و ضمناً دانشجویان از دوسوی درجغرافیای تاریخی و متن‌شناسی کشورهای یادشده بهره می‌گیرند.

گذشته از کتب پیش گفته، از تألیفات اوست: «بزرگان شهری در دولت هلاکوئیان»، «دستگاه اقتصاد فتودالی رشیدالدین فضل‌الله» و مقالات و رسالات دیگر و از آن‌جمله «تألیف سیفی به عنوان منبعی در تاریخ خراسان شرقی» این بود مختصری درباره زندگی و آثار ایلیا پاولویچ بطروشفسکی.

مهرماه / ۱۳۴۸

کریم کشاورز

[www.golshan.com](http://www.golshan.com)





کتاب «اسلام در ایران» به اقتضای مرام و مسلک فکری نویسنده، از زاویه دید خاصی به مسایل و جریانهای مذهبی نگریسته و به تحلیل آنها پرداخته است. از این رو جوابهایی که به این مسایل داده است غالباً برای خواننده‌ای که در ادیان، دید الهی و تحقیقی دارد قابل قبول نیست. لیکن از آنجا که نویسنده محترم، به‌مرحال، می‌کوشد تا علل و زمینه‌های اجتماعی رواج دین اسلام را در مدتی کوتاه در بخش بزرگی از جهان متمدن نشان دهد، و عوامل دوام و بقای آنرا بر نماید، و قوف بر افکار او مفید است به شرط آنکه مطالعه این آرا با نظر انتقادی و شناخت درست اسلام و جریانهای اصیل و غیر اصیل درون تاریخ اسلام، همراه باشد.

در واقع، موارد متعددی می‌توان یافت که نویسنده در آنها دچار مسامحه و اشتباه شده است. اصولاً کار نوع اسلام‌شناسان و مستشرقان، شدیداً نیازمند به بررسی و نقد است. چه در کار آنان در این زمینه‌ها (که گاه با انصاف و تحقیق و ژرفنگری توأم است) نارساییهای بسیار هست. و این نارساییها علل و اسباب گوناگون دارد که از آن جمله است:

عدم تسلط کافی بر زبان عرب و معارف اسلامی،  
دسترسی نداشتن به برخی از مآخذ و منابع اصیل، به‌ویژه کتب تحقیقی و روشنگر و مستندی که اخیراً دربارهٔ جریانات مربوط به مذهب تشیع نوشته شده است،  
تقید به مذهب و مسلک و مرام فکری و رسوبات اعتقادی و اصرار در توجیه و تعلیل همه پدیده‌ها و جریانهای دینی بر پایهٔ آنها،

مانوس نبودن با روحیه و فلسفه مشرق زمین،  
متأثر بودن از تحقیقات داخلة اسلام‌شناسی غربی که برخی از آنها از شایه اغراض خاص

یگانگی نسبت به روح و جوهر مذهب شیعه و اصالت و نیروی حیاتی آن.

این نارساییها در کار نوع مستشرقان و اسلامشناسان، از هر کشور و صاحب هر مرام یا مذهبی باشند، وجود دارد. استاد محترم ایلیا پاولویچ بطروشفسکی، نویسنده این کتاب نیز در پارهای موارد دچار چنین مشکلی بوده است.

در برخی موارد، مآخذ مؤلف کتابها و تحقیقاتی کسانی بوده است که خود نیز دچار مشکلات یاد شده بوده‌اند، و تفاهمی جوهری نسبت به مسائل مختلف اسلامی نداشته‌اند. در مباحث فقهی و حقوقی، گنگنار مؤلف بیشتر بر اساس فتاوی فقهای اربعماست. از این رو نسبت به کلیت فقه جعفری - که شامل احکام سره قرآن و جوهر فقه محمدی است، و نوعاً در جهت مخالف انظار علمای دارالخلافه و فقهای وابسته حرکت داشته - توجهی درخور، ابراز نشده است.

\*

همیسان نسبت به تحلیل جریانهای زندگی پیشوایان شیعه (یعنی اوصیای پیامبر و اتباعان قرآن) و تاریخ خصوصی و حکمت سیاسی ائمه، و موضعگیریهایی که در برابر سطعهای ناحق، و انسانیت مظلوم داشته‌اند، توجهی که بایسته بوده است نشده، و از این رو گاه کار به قضاوتهای غلط کشیده است - در کتب بسیاری از اسلامشناسان دیگر نیز این خبط و تقصیر هست - با اینکه از کسانی مانند مؤلف محترم، چنان امید داشته‌می شد که بدین جانب سخت توجه کنند، زیرا همین جناح است که همواره ناشر اصالت انقلاب محمد (ص) بوده و از هر انحرافی در اسلام - بخصوص انحراف در مسئله حکومت - خشمگین می‌شده و به پا می‌خاسته و می‌جوشیده، و همیشه در راه دریافت انسان و تقدیس ارزشهای انسانی، و مقاومت در برابر قدرتهای متراکم ناحق، و صیانت سطح شخصیت انسان از انحطاط و مقهور بودن و اطاعت کورکورانه و چاکری و ذلت، آشتی ناپذیر و بی‌پروا و سرباخته بوده است...

\*

اکنون این کیفیت ایجاب می‌کرد که در ترجمه فارسی «اسلام در ایران» تا میزان معقول و در حد مجال موجود، توضیحات و احیاناً تصحیحاتی افزوده شود. از این روی، مطالبی زیر عنوان «توضیحات» یادداشت شد (شماره‌های مرتبی که در متن - درون مطرها - آمده است، مربوط به این توضیحات است)، که این گونه توضیحات هم برای این کتاب، و هم کتابهایی از این دست، سخت ضروری است.

و با آنکه برای رجوع به مآخذ مجال کافی نبود، برای نوع مطالب اظهار شده، از یک تا چند مآخذ - که هم اکنون در اختیارم بود - نشان داده شد، گرچه باز به رعایت اختصار، پاره‌ای از همین مآخذ نیز حذف گشت.

معلوم است که باز هم موارد نظر در کتاب هست، که یادآوریهایی بیش از این را مقتضای

حال ندانستم. البته خوانندگان خود می‌توانند بر اساس اصول و مآخذ، با تذکراتی که داده شده است، بر نوع آن موارد وقوف یابند. نسبت به چند مورد محذوف، باید گفت که پس از این همه، آن چیزها یا تکراری بود، یا نادرست، یا تفصیلی بود که برای جامعه ایرانی، نیازی بدانها احساس نمی‌گشت (مثلاً آداب نماز) و یا چند اظهار نظر نامستند و من‌عندی بود که بر اساس متون و حقایق تاریخی نادرست بود، و روح علمی از حلف این‌گونه نظرها – که مؤلف در پایان کتاب تصریح می‌کند که در آن بارها مآخذ و تحقیقات کافی نداشته است – خرسندتر بود تا نگهداشتنشان.

\*

اکنون باید به یاد داریم که مؤلف محترم در راه تألیف این کتاب، زحماتی متحمل شده است، و گهگاه به برخی از رگه‌های عصبان‌گرایی و زندگینماز تشیع نیز راه برده، و مخصوصاً در جاهایی چند به ارزشهای مهم و ویژه حقوق اسلام توجه کرده و آن را بازگفته است، که از این رهگذر از ایشان – به‌عنوان تقدیر از توجه به ارزشهای انسانی – تشکر می‌کنیم.

\*

امید است نویسنده محترم، به این اظهار نظرهای استادی توجه فرمایند، و بر اساس مآخذ و مسائل و دلایل یادشده، این موضوعات را در تألیفات و دروس و افادات بعدی خود ملحوظ دارند. و توجه بدانند که نظر نویسنده توضیحات، تنها این بوده است که به‌مراهی این اظهارات، حاصل کوششهای ایشان، پیراسته‌تر و نزدیکتر به‌صحت، عرضه شود.

همین‌گونه امید است که خوانندگان بدانند که این‌گونه مباحث علمی، که به‌منظور دفاع از اصالت‌های انسانی اسلام و زنده نگاه‌داشتن روح حماسه‌جاوید (تشیع) نوشته می‌شود، از نظر عموم، کاری است علمی. و عالمان در اظهار نظر آزاد و بلکه به‌اظهار نظری که مستند و روشنگر باشد مکلفند. از نظر خصوصی داخله اسلام نیز ابتدا به‌دوستی و صفا و برادری و وحدت عزیز و راستین اسلام زیانمند نخواهد بود، بلکه این خود تلاشی است اصیل و علمی در راه ایجاد وحدتی تفاهم‌شده. (و ما خود در مواردی، از فقه و روش علمای اهل سنت نیز در توضیحات خویش دفاع کرده‌ایم، که همه یک جبهه‌ایم). امید است که چنین باشد و چنین در کی در همه به‌وجود آید. و آن سر تحولی مقدس که بدان خاطر، این مباحث را از این زاویه خاص گهگاه تعقیب کرده‌ایم، همگان را فاش شود.



هدف این کتاب آشنا کردن خوانندگان است با منابع و متون و تاریخ اسلام و تطورات  
تعالیم اسلامی و فقه اسلامی و صوفیگری و مذاهب و مسالک و نهضت‌هایی که مردم در بطن اسلام  
برپا کردند، به ویژه تشیع.  
این کتاب درخور دانشجویان دانشکده‌های شرقشناسی و کسانی که به تاریخ ادیان ابراز  
علاقه می‌کنند نوشته شده است.

ناظر مسئول - پروفمور و. ای. بلیایف





www.golshan.com

پایه و مایهٔ این کتاب، دروسی بوده که مؤلف در دانشکدهٔ شرقشناسی دانشگاه دولتی لنینگراد (کلاس ویژه) داده است. کتابی است درسی در تاریخ اسلام و تاریخ ایران و کشورهای همسایهٔ آن و فرهنگ و معتقدات آنها. کتاب بیش از همه درخور دانشجویان دانشکده‌های شرقشناسی و تاریخ وفقه‌اللمغه و فلسفه و حقوق دانشگاهها و دانشسراهای عالی، و همچنین نامزدان استادی و معلمان دیگر رشته‌های تاریخی و علوم انسانی، و عدهٔ کثیر خوانندگانی که به تاریخ و فرهنگ ممالک آسیای مقدم و میانه علاقه دارند نوشته شده است.

هدف مؤلف این بوده که با بیانی هائسبه مختصر و موجز استنتاجهای دانش کنونی را به نظر خوانندگان برساند و ایشان را باوضع فعلی موضوع و اینکه مطالعات به کجا رسیده آشنا کند. بنابراین، مبنای کتاب همانا نتایج پژوهشهای اسلامشناسان است و بعضاً (به‌طور کلی فصل سیزدهم) بلاواسطه بر منابع و متون اصلی مبتنی است (به بخش کتابشناسی رجوع شود). کمبود کتابهای درسی و تألیفات عامه‌فهم، در زبان روسی، موجب شده که مؤلف به مسائل کلی اسلامشناسی نیز بپردازد و مسائلی چند را از قبیل ظهور اسلام و قرآن و احادیث و غیره روشن سازد. آشنایی خواننده با این گونه نکات کلی اسلام، برای درک نقش تاریخی آیین مزبور در زمینهٔ فرهنگ ایرانی ضرورت دارد. کتاب حاضر تاریخ هر دو شاخهٔ اصلی اسلام یعنی سنی و شیعه را شرح می‌دهد. این هر دو شاخه در ایران قرون وسطی پیروانی داشته‌اند. مذاهب سنت و جماعت، پیش از تأسیس دولت شیعهٔ صفوی، کیش رسمی لاقول نیمی (اگر نه بیشتر) از مردم ایران بوده و دین رسمی هم‌مدول فتووالی ایران شمرده می‌شده. امام‌مذهب شیعه، شکل و صورت و لافافهٔ عقیدتی بسیاری از نهضت‌های مخالفت‌آمیز خلق بوده که از نیمهٔ دوم قرن هفتم میلادی، تا آغاز قرن شانزدهم میلادی (از قرن اول تا آغاز قرن دهم هجری) وقوع یافت، تا اینکه در عهد صفویه آیین رسمی شد.

در این کتاب از دورانی سخن می‌رود که از اسلام آوردن ایران پس از فتوحات عسرب، آغاز می‌گردد و به پیروزی نهضت شیعه صفوی - قزلباش پایان می‌یابد. البته تکامل و تطور دوشاخه اسلامی - یعنی سنی و شیعه - و فرق و مذاهب متفرع از آنها در شرایطی صورت می‌گرفته که مرادفات و مرابطات وسیعی میان کشورهای مسلمان حکمفرما بوده. جریانات و مسالک که در سرزمین عربی تکوین یافته بوده (مثل نظریه «وحدت وجود» ابن عربی) تأثیر عمیقی دایرانیان داشته و برعکس اندیشه‌های افراد ایرانی‌الاصل (مثلا نظریه‌های ماتریلی و غزالی) میان اعراب اشاعه یافته، با این وصف مؤلف در بازدید مذاهب و فرق گوناگون اسلامی، از نظر گاه روابط بین‌الملل، فقط به پدیده‌هایی می‌پردازد که به نحوی از انحاء در تاریخ ایران مؤثر بوده است. بدین سبب از نهضت‌هایی که بالکل بیرون از ایران وقوع یافته سخنی نرفته است. و در عین حال از فرقه‌ها و نهضت‌هایی که در اصل اسلامی نبوده (مانند خرم‌دینان و یزیدیان) و همچنین مسلک‌ها و مرام‌هایی که بعد از آغاز قرن شانزدهم میلادی (دهم هجری) پدید آمده مانند فرقه‌های شیخی و بایه و غیره یاد نشده است.

مؤلف با در نظر گرفتن اینکه کتاب حاضر برای تدریس در مدارس عالی است اشاره و استاد به منابع و متون و کتب درسی را به اختصار بر گزار کرده و اطلاعات کامل کتابشناسی در بخش آخر (کتابشناسی) آمده است. هر جا به متن و منبع اشاره شده منظور اصل آن متن است و هر جا ترجمه متن مآخذ بوده بدان اشاره شده و این نکته به ویژه قید گردیده است.<sup>۱</sup> تاریخها به حساب میلادی نقل شده<sup>۲</sup> و فقط تاریخ‌هایی که واجد اهمیت خاص بوده به هجری نیز ذکر شده است. جملات قرآن به طور کلی از روی تازه‌ترین ترجمه آکادمیسین ای. یو. کراچکوسکی (به فهرست کتابشناسی رجوع شود) نقل شده است.<sup>۳</sup>

مؤلف وظیفه خویش می‌داند که از ناظر و مصحح کتاب استاد و. ای. بلیایف و استاد آن. بولدیریف و آ. م. گالدوین و ل. ا. کوبل و آ. گ. لوندین و استاد آ. د. نوویچف و ل. و. ا. استرویوا، که در بحث مربوط به مطالب این کتاب شرکت جسته، با انتقادات و اندرزهای خویش به بهبود مندرجات آن کمک کردند، سپاسگزاری کند. و از ن. آ. پطروا که در تنظیم فهرست کتابشناسی و فهرست اصطلاحات بهوی یاری کرده است تشکر نماید.

۱- در اینجا مؤلف چند سطر درباره املائی اسامی عربی و فارسی، به خط روسی، که چگونه برگردانده شده سخن گفته است. چون ما املائی اصل را می‌آوریم، در ترجمه، این قسمت زاید است. - ۲.  
 ۲- در ترجمه، در همه موارد، تاریخ هجری آورده شده است. - ۳. ما در این ترجمه، اصل عربی و ترجمه فارسی را گذاشته‌ایم. - ۴.





www.golshan.com

## ظهور اسلام

ظهور اسلام در عربستان در آغاز قرن هفتم میلادی، با تکوین جامعه طبقاتی (۱) و شروع يك نهضت اجتماعی و سیاسی پیچیده در میان اعراب شمالی رابطه ناگسستی دارد. اسلام به صورت لافافه عقیدتی نهضتی درآمد که به تأسیس دولت عربی و توسعه نظامی و سیاسی آن دولت تا آنسوی حدود عربستان منجر گشت. این نهضت اجتماعی و سیاسی که یکی از دانشمندان علم اجتماع «انقلاب اسلامی» خوانده<sup>۱</sup> و دیگری «انقلاب دینی محمد»<sup>۲</sup>ش نامیده است<sup>۳</sup> در اندک مدتی موجب شد که ایران و کشورهای آسیای میانه و قفقاز و نواحی پیشین ییزانس (روم شرقی) در کرانه های شرقی و جنوبی دریای متوسط (مدیترانه) جزو قلمرو دولت عربی (خلافت) گردند و اسلام آورند. بدین طریق نهضتی که اسلام عقیده آن بود به سرعت جنبه بین المللی پیدا کرد. و به ویژه در تاریخ بعدی ایران و کشورهای مجاور آن تأثیر عظیمی کرد.

هنوز سازمان اجتماعی عربستان شمالی قبل از اسلام، آنچنانکه باید و شاید مورد مطالعه قرار نگرفته. فقط مسلم است که در آغاز قرن هفتم میلادی، در نواحی شمالی عربستان، سازمان پدرشاهی و جماعتی، در حال تلاشی و انقراض و جامعه طبقاتی در شرف تکوین بوده است. دانشمندان شوروی درباره ماهیت این جامعه طبقاتی دو نظر اظهار کرده اند.

بنا به نظر اول، به موازات جامعه برده داری که در جنوب عربستان در قرن ششم و آغاز قرن هفتم میلادی وجود داشته، شیوه زندگی برده داری، در ناحیه حجاز - نواحی مکه و مدینه - که بر سر راه کاروانی سراسر عربستان قرار داشته، تکوین یافت. اما در عربستان درونی، که به طور کلی سرزمین دامداران و صحرانشینان بوده، جریان تلاشی و از هم پاشیدگی سازمان پدرشاهی

و جماعتی به مراتب بطنی‌تر بوده، گرچه در آنجا هم مقدمات تکوین طبقات فراهم می‌گشته. از یلسو بزرگان و توانگران پدید آمدند که صاحب زمین و گله‌های بزرگ و بردگان اسیر بودند و غالباً در بازرگانی کاروانی شرکت می‌جستند و از دیگر سو مستمندان و فقیرانی که آزادی خویش را حفظ کرده بودند. شیوه برده‌داری در میان اعراب به صورت روش اصلی تولید در نیامد، زیرا که اعراب بعدها، پس از فتوحات وسیع قرن هفتم میلادی، به جریان عمومی فتودالیزم که در کشورهای پیش‌گفته آسیای مقدم به شدت حکمفرما بوده کشانده شدند. ولی از آنجایی که در ممالک یاد شده شیوه زندگی برده‌داری هنوز نابود نشده بوده در میان اعراب هم معلوم نشد، بلکه برعکس موقتاً پس از فتوحات ایشان رونقی بیشتر یافت. بر روی هم مناسبات فتودالی در جامعه عربی پس از فتوحات عظیم نیمه اول قرن هفتم میلادی، تکوین یافت و برده‌داری به صورت شیوه قرعی (۲) زندگی در میان ایشان محفوظ و باقی ماند.

بنا به نظر گروه یاد شده، مقدمه ظهور اسلام عبارت بود از تلاشی و فروریختگی سازمان پادشاهی و جماعتی و تکوین شیوه زندگی برده‌داری در حجاز. نظریه مشروحه فوق در تألیفات آ. آ. بلیایف (مسکو) ۱ با استفاده از منابع و متون اصلی مدون گشته و در آثار دیگر دانشمندان شوروی مانند آ. یو. یاکوبوسکی و س. پ. تولستوف منعکس شده است.

اما به عقیده صاحبان نظر دوم، در جنوب و شمال عربستان که تلاشی و از هم پاشیدگی جامعه پادشاهی - جماعتی به شدت جریان داشته، مناسبات ویژه دوران متقدم فتودالی مکون می‌گشته و این مناسبات حتی پیش از فتوحات بزرگ اعراب در قرن هفتم میلادی بر دیگر شیوه‌ها فایق آمده بود. بدین سبب، بنا به نظر دوم، اسلام هم از آغاز (۳) دین سران فتودال، در شرف تکوین، جامعه عربی بوده است. این نظر را - به صورت کلی و بدون ذکر جزئیات و استدلال مشروح - ن. و. پیگولوسکایا ۲ و (مصممانه‌تر) ن. آ. اسمیرنوف ۳ اظهار داشته‌اند.

این نظریه در مقاله جامع وجدی دانشمند جوان ل. ای. نادیرادزه (دانشگاه دولتی مسکو) که با استفاده از منابع و متون اصلی نوشته شده مشروح‌تر بیان شده است ۵. این مؤلف چنین نتیجه

۱- رجوع شود به: ا. آ. بلیایف، «اعراب، اسلام و خلافت عربی در دوران متقدم قرون وسطی». نیز رجوع شود به: ا. آ. بلیایف، «تأسیس دولت عربی و ظهور اسلام در قرن هفتم میلادی، سخنرانی‌های نمانندگان شوروی در کنفرانس بیست و سوم بین‌المللی شرق‌شناسان» مسکو، ۱۹۵۴. آ. آ. بلیایف و آ. یو. یاکوبوسکی، «عربستان در آغاز قرن هفتم میلادی»، در کتاب «تاریخ جهان» مجلد ۳، مسکو، ۱۹۵۷، فصل ۷. ۲- رجوع شود به: آ. آ. یاکوبوسکی، «عراق در فاصله قریب‌های هفتم و نهم میلادی» از آثار نخستین دوره اجلابه عرب‌شناسان مسکو-لنینگراد، ۱۹۲۷، س. پ. تولستوف، «در باره صدر اسلام» مسکو، ۱۹۲۲، هم از او «منشأ فتودالیزم در جامعه‌های صحرائین و دامدار» اخبار GAIMK شماره ۱۰۳، ۱۹۳۴، هم از او: «بر افسر تمدن خوارزم باستانی» مسکو - لنینگراد، ۱۹۴۸، ص ۳۱۸ و بعد. ۳- ن. و. پیگولوسکایا، «بیزانس در طریق هندوستان» مسکو - لنینگراد، ۱۹۵۶، ص ۴۵۳. ۴- ن. آ. اسمیرنوف «تاریخ مختصر پرده‌ای اسلام در شوروی» مسکو، ۱۹۵۴، ص ۱۸۱ و بعد. ۵- ل. ای. نادیرادزه، «در موضوع بردگی در عربستان قرن هفتم» در مجموعه «مسائل تاریخ و ادبیات کشورهای مشرق‌زمین» مسکو، ۱۹۶۵.

می‌گیرد که پیش از اسلام کار بردگان در عربستان رواج اندک داشته. وی بدون اینکه مستقیماً درباره جوانب ویژه جامعه شمال عربستان در آغاز قرن هفتم میلادی، اظهار نظر کند، مایل است فی‌المثل در اینجا پدیده اجاره و استجاره زمین را به‌طور مزارعه، مقدمه مناسبات آتی فتووالی محسوب دارد. (۴)

نویسنده این سطور با صاحبان نظریه اولی هم‌رأی است. ولی می‌دانیم که بر روی هم موضوع پیچ در پیچ سازمان اجتماعی عربستان پیش از اسلام، هنوز آنچنانکه باید و شاید مورد مطالعه قرار نگرفته و روشن نشده است. بدین سبب هر دو نظر عجائناً به صورت فرضیه‌هایی که در جریان مطالعه به کار آید واجد اهمیت است و حل نهایی این مشکل، مهی است که در آینده صورت خواهد گرفت. به هر تقدیر یک نکته مسلم است که: ظهور اسلام انعکاسی بوده از جریان تلاشی و از هم‌پاشیدگی سازمان پادشاهی - عشیرتی و پیدایش مقدمات تکوین طبقات در میان اعراب شمالی. لُبّه تیز مواعظ و تبلیغات اسلام، پیش از همه، متوجه آن سازمان محض و اخلاقیات و معتقدات آن - یعنی بت‌پرستی قدیمی اعراب - بوده است.

درباره سازمان اجتماعی اعراب پیش از اسلام و تاریخ ظهور اسلام، تألیفات تحقیقی بسیار وجود دارد<sup>۱</sup> که بیشتر به قلم دانشمندان اروپای غربی است، مانند ت. نلدکه، ر. دوزی، سنوک هورگردینه، یو. ولهاوزن، ک. بکر، ای، گولدتسیهر، ه. گرمه، ل. کاتانی، د. مارگولیوس، آ. لانس، ت. آندره و دیگران<sup>۲</sup>. چون مطالعه تاریخ اعراب و صدر اسلام در آن سرزمین جزء برنامه کتاب حاضر نیست، در اینجا راجع به مواضع فوق به اختصار می‌پردازیم و خواننده را برای مطالب مشروحتر به تألیفات پیش گفته حواله می‌دهیم.

طوائف عربی از لحاظ اصل و تبار و نژاد به دو گروه جنوبی یا یمنی (گروه قحطان و کهلان) و شمالی (گروه مضر و ربهه) که خود به قبایل و عشایر تقسیم می‌شدند، منقسم می‌گشتند (۵). بسیاری از قبایل جنوبی عربستان، از دیرباز به شمال نقل مکان کرده بودند. در آغاز قرن هفتم میلادی، بخش اعظم اعراب شمالی صحرائین بودند و به‌طور کلی به‌شتر پروری و شترداری (که در حمل و نقل کاروانی و جنگ - جماره سواران - اهمیت فوق‌العاده داشته) اشتغال داشتند و به پرورش بز و گوسفند نیز می‌پرداختند. اسب کم داشتند و اسبان بسیار گرانها بودند. زراعت در عربستان شمالی جنبه واحه‌ای داشت. و به کشت جو و نخل و مو و درختان باردار مشغول بودند. مراتع در تصرف جماعات (عشیرتها) بود، ولی دامها و بردگان و قطعات زمین، ملک افراد محسوب می‌شد. تقسیم جامعه به قبایل و عشایر محفوظ مانده بود ولی در داخل این قبایل و عشایر اختلاف میزان مال و

۱- به زبان روسی، گذشته از تألیفات یاد شده، رجوع شود به آثار و. و. پارتولد و آ. ا. کریسکی. (به فهرست کتابشناسی بنگرید).  
 ۲- به فهرست کتابشناسی بنگرید.